مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

ویژه سیاسی

شنبه ۱ آبان ۱۳۹۵- ۲۰ محرم ۱۴۳۸ - ۲۲اکتبر ۲۰۱۶

گزارش «مردم‌سالاری» از ترمیم کابینه در ۱۱ دولت پس از انقلاب

دولت احمدی‌نژاد، رکورددار تغییر در کابینه

شهاب کاشفی

شـایعه ترمیم کابینه حسـن روحانی از زمانی مطرح شـد که انتخابات دهمین دوره مجلـس شـورای اسـلامی‌برگزار و ترکیب مجلس دهم نسبت به مجلس نهم دسـتخوش تغییراتی شد؛ تغییراتی که به سود دولت بود چراکه تعداد حامیان دولت در مجلس به لطف پیروزی فهرسـت ۳۰ نفره فراکسیون امید در تهران افزایش یافته و ایـن امر نه تنها خطر تغییر وزرا از طریق استیضاح – آنگونه که برای فرجی دانا وزیر علوم پیشـین دولت روحانی رخ داده بود– را تـا حدی کاهش داده، بلکه امکان ترمیم کابینه و استفاده از نیروهایی را که در مجلس نهم به عنوان وزرای پیشـنهادی، به دلیل کمبود آرا از کسـب رای اعتماد نمایندگان مجلس و راهیابی بـه دولت بازمانده بودند افزایش مـی‌داد. به همین دلیل همگان در انتظار ترمیم کابینه بودند تا در سال پایانی دولـت که به انتخابات ریاسـت جمهوری منتهی می‌شود شاهد بهبود امور در برخی وزارتخانه‌ها در جهت رفع نقاط ضعف دولت و جلب آرای مردم باشـیم. اما بیش‌از چهار ماه پس از تشـکیل مجلس دهم، خبری از ترمیم کابینه نشد تا کم کم انتظارها برای تغییر در دولت کاهش یابد. بویژه با توجه به این موضوع که انتخابات ریاست جمهوری آتی این بار اردیبهشـت ماه برگزار می‌شود و دولت بـرای جلب نظر مردم در انتخابات کمتر از ۸ ماه فرصـت دارد. با این وجود با آغاز فصل پاییز شـایعات متعددی درباره تغییر در کابینه مطرح شد؛ شایعاتی که با احتمال تغییر در وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی‌که طی دو ماه اخیر بیش از سایر وزارتخانه‌ها حاشیه ساز شده بود آغاز شدو به وزارتخانه‌هـای ورزش و جوانان، آموزش و پـرورش، و حتی علوم و صنعت، معدن و تجارت هم رسید. اما در نهایت سه وزارتخانه نخسـت، یعنی ارشـاد، ورزش و آموزش و پرورش با تغییر مواجه شدند تا بدین ترتیب پرونده تغییر وزرا در دولت حسن روحانی به احتمال زیاد با همین سه تغییر بسته شود چراکه زمان زیادی تا پایان عمر دولت باقی نمانده است.

سه تغییر؛ قابل پیش‌بینی یا غیرقابل پیش‌بینی؟

سه تغییری که در دولت روحانی رخ داد، نخسـتین تغییرات در این دولت در جهت ترمیم کابینه محسوب می‌شود. پیش از این تنها یک وزیر – فرجی دانا – با اسـتیضاح توسط مجلس از دولت جدا شده بود. تغییر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی‌شاید در ابتدا چندان قابل پیش بینی نبود اما حاشیه‌های اخیر در مورد کنسرت‌ها در مشهد و واکنش آیت‌الله علم‌الهدی و عقب نشینی علی جنتی و سپس واکنش رییس جمهور به این عقب نشینی و سپس موضوع برگزاری کنسرت در قم و حواشـی آن که موجبات استعفای مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی‌قم را فراهم ساخت، همگی دسـت به دست هم داد تا وقتی طی هفته‌های اخیر، شایعه برکناری وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی‌مطرح شد، همگان آن را باورپذیر بدانند.

تغییر وزیـر ورزش و جوانان نیز چندان غیرمنتظره نبود. مواضع متناقض گودرزی در موارد مختلف بویژه حواشـی او در قبال تیم ملی فوتبال و سرمربی آن کارلوس کی روش و همچنین حواشی باشگاه استقلال که نام گودرزی را به عنوان عامل اصلی عزل و نصب‌ها در این باشگاه مطرح کرد، به اضافه نتایج نه چندان خوب کاروان ورزشی ایران در المپیـک ریو، نقش مهمی‌در کنار رفتن گودرزی داشت. در نظرسنجی‌ای که سال گذشته صورت گرفته بود، گودرزی نسبت به سایر وزرای کابینه از محبوبیت کمتری برخوردار بود. از سوی دیگر علی اصغر فانی وزیر آموزش‌وپرورش هم زیر تیغ استیضاح رفته بـود. عملکـرد او در قبال فرهنگیان از یک سـو و حواشـی مربوط به صندوق ذخیـره فرهنگیان کـه در روز آخر وزارت فانی، منجر به صـدور حکم برکناری برای رییس بازداشت شـده این صندوق شد از سوی دیگر، موجبات طرح شایعه برکناری او را فراهم ساخت. البته گویا فانی در قبال استعفا مقاومت کرده بود و به همین دلیل نامه ای دوپهلو برای دکتر حسـن روحانی نوشت که هم از آمادگی استعفا در آن نوشته بود و هم برای ادامه همکاری اعلام آمادگی کرده بود. اما در نهایت روحانی با استعفای او هم موافقت کرد تا سه وزیر کابینه، در فاصله ۸ ماه تا انتخابات ریاست جمهوری و ۱۰ ماه تا پایان عمر دولت، برکنار شوند. سخنگوی دولت وعده داده به زودی و در کمترین زمان ممکن وزرای جدید معرفی خواهند شد تا در مجلس رای اعتماد بگیرند. در این میان برخی وزرا همچـون محمدرضا نعمت‌زاده وزیر صنعت، معدن و تجـارت که بیش از وزرای دیگر با انتقاد مواجه بودند و همچنین مجموعـه وزرای اقتصادی، به فعالیت خود ادامـه خواهند داد تا نشـاندهنده رضایت رییس جمهور از عملکرد تیم اقتصادی دولت باشد. اما ترمیم کابینه منحصر به این دولت نبوده و در تمامی‌دولتهای قبل نیز رخ داده است؛ هرچند که دولت محمود احمدی‌نژاد رکورددار ترمیم کابینه در دولتهای پس از انقلاب بوده اسـت. بطوریکـه آن دولت به نصاب لازم برای لـزوم دریافت رای اعتماد بـرای کل کابینه به دلیـل تغییر نیمی‌از اعضای کابینه نزدیک شد.

دولت موقت بازگان با ۵ تغییر

دولت موقـت بـازرگان در طول عمر کوتـاه ۲۸۷ روزه خود، ۵ بار اقدام به ترمیم کابینه کرد.اولین تغییـر در وزارت دفاع با رفتن دریادار مدنی و جایگزینی تیمسـار تقی ریاحی رییس سـابق ستاد ارتش در زمان نخست‌وزیری مصدق، صورت گرفت. دومین تغییر در کابینه با اسـتعفای کریم سـنجابی رهبر جبهه ملی از سمت وزارت امور خارجه بود که ابراهیم یزدی جایگزین او شد. سومین تغییر در وزارت دادگستری بود که در پی اسـتعفای اسدالله مبشری از این سـمت احمد صدر حاج سید جوادی وزیر دادگستری شد. احمد صدر حاج سید جوادی، خود، وزیر کشـور بود که وقتی به وزارت دادگسـتری رفت،هاشـم صباغیان جایگزیـن او شـد. جایگزینـی رجایی با شـکوهی در وزارت آموزش و پرورش دیگر تغییر دولت موقت بود و سـرانجام آخرین وزیر مستعفی کابینه بازرگان، محمدحسن اسلامی‌بود که استعفای خود را تسلیم دولت کـرد اما به فاصله چند روز، دولت موقت به طور کامل کناره‌گیری کرد.

دولت رجایی؛ ۱۷ ماه و یک تغییر

دولت شهید رجایی از ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ تا نیمه سال ۱۳۶۰ روی کار بود که طی این مدت فقط یک جابه جایی داشت بطوریکه ابراهیم احدی وزیر دادگستری استعفا داد و محمد اصغری جایگزین او شـد. پس از شـهادت رجایی به عنوان رئیس جمهور و باهنر به عنوان نخست وزیر در شهریور ماه سال ۱۳۶۰، آیت الله مهدوی کنی از سوی شورای موقت ریاسـت جمهوری مسئول تشکیل کابینه شد و به مدت ۵۶ روز کابینه ۲۲ نفره دولت رجایی و باهنر مشـغول به فعالیت مجدد شدند تا نوبت به دولت بعدی رسید.

پنج تغییر در دولت اول میرحسین موسوی

پـس از برگـزاری انتخابـات ریاست‌جمهوری در مهرماه ۱۳۶۰ و انتخاب آیت الله خامنه ای به عنوان رییس جمهور، ابتدا علی اکبر ولایتی به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی شد که مجلس به او رای اعتماد نداد و میرحسین موسوی نخست‌وزیر شد. در اوایل کار دولت، سیدمحمد خاتمی‌در جایگاه‌وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی‌جایگزین حجت‌الاسلام معادیخواه شد و سپس حبیب الله عسگراولادی از وزارت بازرگانی استعفا داد و عابدی جایگزین او شد. انتخاب فاضل به جای نجفی در وزارت علوم، انتخاب ناطق نوری به جای نیک روش در وزارت کشـور و انتخاب نیلی به جای موسویان در وزارت معادن و فلزات از دیگر تغییرات دولت اول جنگ بود.

دو تغییر در دولت دوم زمان جنگ

دومین دولت زمان جنگ هم سه تغییر را تجربه کرد. نجفـی در وزارت آموزش و پرورش جایگزین کاظم اکرمی‌شـد و بیژن نامـدار زنگنه هـم در وزارت نیرو به جای محمدتقی بانکی نشست. این تنها تغییرات دولت دوم موسـوی بود چراکه این دولت حتی یکبار هم با استیضاح مجلس مواجه نشد

خاتمی، تنها مورد ترمیم کابینه‌هاشمی

دولت اول آیت‌الله هاشمی‌رفسـنجانی، در مجمـوع دو تغییر داشـت که یکی در قالب اسـتیضاح و دیگری استعفا بود. سید محمد خاتمی‌با استعفا از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جای خود را به علی لاریجانی داد. ضمـن اینکه با اسـتیضاح فاضل وزیر بهداشت، ملک زاده جانشین او شد که این تنها تغییرات دولت اول‌هاشمی‌رفسنجانی محسوب می‌شود.

کابینه دوم‌هاشمی رفسنجانی نسبت به کابینه اول او دچار تغییرات فراوانی شـده بود. شـاید به همین دلیل بود که در طول دوره دوم ریاست جمهوری‌هاشمی، شاهد هیچ تغییـری در دولت نبودیم. تنها یکبار محلوجـی به عنوان وزیر معـادن و فلزات استیضاح شد که البته اسـتیضاح او ناکام ماند و بدین ترتیب دولت‌هاشمی، رکورددار کمتریـن تغییر در بین دولتهـای پس از پیروی انقلاب اسلامی‌بود.

دولت اول اصلاحات با چهار تغییر خودخواسته

تغییـرات وزرا در دولت سـید محمد خاتمی‌بـا ماجرای قتل‌هـای زنجیره ای و استعفای‌حجت‌الاسلام‌والمسلمین قربانعلی دری نجف آبادی از وزارت اطلاعات آغاز شد که جای خود را به علی یونسی داد. اما ترمیم کابینه در دولت اول اصلاحات بیش از این بود. عطـاءالله مهاجرانی بدلیل انتقادها از عملکردش در وزارت ارشـاد، علیرغم آنکه از اسـتیضاح، سربلند بیرون آمده بود، پس از مدتی اسـتعفا و جای خود را به مسجد جامعی داد. محمدرضا عارف وزیر پسـت و تلگراف و تلفن در سال سوم دولت، به دلیل انتصاب به عنوان رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، جای خود را به احمد معتمدی داد و دادمان در وزارت راه و ترابری جایگزین حجتی شد.

سه تغییر در دولت دوم اصلاحات

دولـت دوم اصلاحات هم بـا چندین تغییر مواجه شد که غالبا به دلیل استیضاح در مجلس بـود. اما در جهت ترمیم کابینه توسط دولت، مصطفی معین وزیر علوم با استعفا در سـال ۸۲ جای خود را به جعفر توفیقی داد. معین یکبار دیگر در سـال ۷۸ به خاطر حوادث کوی دانشـگاه استعفای خـود را تقدیم رئیس دولت وقت کرده بود که البته با مخالفت خاتمی‌مواجه شـد. دو تغییر خودخواسـته دیگر در جهت ترمیم کابینه دوم خاتمی‌هم در وزارتخانه‌های کار و اقتصاد بود. سید صفدر حسینی وزیر کار دولت دوم خاتمی‌که به وزارت اقتصاد رفت تا جایگزین مظاهری شود و خالقی در وزارت کار جایگزین صفدر حسینی شد.

دولت احمدی‌نژاد رکورددار تغییر در کابینه

دولت محمود احمدی‌نژاد را می‌توان به عنوان رکورددار تغییر در کابینه، چه در قالب استعفا و برکناری و چه در قالب استیضاح دانست. پرویز کاظمی‌اولین وزیر برکنار شده دولت اول محمود احمدی‌نژاد اسـت، که در سـال ۱۳۸۵ عزل شد و جای خود را به مصری داد. محمد ناظمی‌اردکانی اولین وزیر تعاون در دولت محمود احمدی‌نژاد بود که در سال ۱۳۸۵ کنار گذاشته شده و محمد عباسی جایگزین وی شد.علیرضا طهماسبی وزیر صنایع و معادن در سال ۸۶ استعفا داد که بعدها از عنوان برکناری برای آن یاد شد و علی اکبر محرابیان جایگزین وی شد. سید کاظم وزیری‌هامانه زاده نخستین وزیر نفت کابینه احمدی‌نژاد هم به دلیل عدم تبعیت از جریـان انحرافی در سـال ۸۶از کارش برکنار و غلامحسـین نوذری جایگزینش شـد. داوود دانش جعفری در سال ۱۳۸۷ به عنوان وزیر اقتصاد از سـمت خود عزل شد که دلیل آن عدم پذیرش سیاست‌های رئیس دولت در حوزه اقتصاد عنوان و سید شـمس‌الدین حسـینی جایگزینش شد. محمود فرشیدی وزیر آموزش و پرورش نیز در آذر ۱۳۸۶ کنار گذاشـته شد و علیرضا علـی احمدی (رییس دانشـگاه پیام نور و باجناق احمدی‌نژاد) جایگزین وی شد.

مصطفی پورمحمدی هم از دیگر وزرای عزل شـده از مسند وزارت کشوربود و علی کردان جایگزینش شـد و پـس از مدتی اسـتیضاح و در نهایت صـادق محصولی جایگزین وی شد.

نخسـتین وزیر راه و ترابری دولت نهم محمد رحمتی بود و در سالهای آخر دولت دوم محمد خاتمی‌نیز این سمت را بر عهده داشت و در سال پایانی دولت نهم به دلیل اختلاف نظر با رئیس دولت، برکنار شـد و جای خود را به حمید بهبهانی داد.

محسنی اژه ای وزیر اطلاعات در آخرین روزهـای دولـت نهم در سـال ۸۸ بدلیل آنچه انتقاد از رئیس جمهور خوانده شد، از دولت برکنارشد. نکته جالب در مورد عزل وزیر ارشـاد این دولت بود که درهاله ای از ابهام باقـی ماند چرا که با قطعیت در عزل صفارهرنـدی، دولت از رسـمیت می‌افتاد. به خاطر همین بلافاصله پس از شـنیدن زمزمه‌های عـزل او، این خبـر تکذیب و هرندی دوباره ابقا شد.

دولت دوم احمدی‌نژاد و باز هم تغییرات پردامنه

در کابینـه دوم احمدی‌نژاد نیز همانند کابینه اول شاهد تغییرات فراوانی در دولت بودیم. رضا تقی پور وزیر ارتباطات در اواخر عمر دولت دهم برکنار شـد و جای خود را به محمد حسن نامی‌داد. منوچهرمتکی وزیر امورخارجه درسال ۸۹ وقتی در سفر سنگال بود به شـکلی خارج از آداب دیپلماتیک ازسـمتش برکنـار و علی اکبـر صالحی جایگزینش شد. مرضیه وحید دستجردی وزیر بهداشت که اولین وزیر زن بعد از انقلاب محسوب می‌شد شش ماه قبل از پایان دولت عزل و محمدحسن طریقت منفرد جایگزین او شـد. در اردیبهشـت ۱۳۹۰ در راستای اجرای ماده ۵۳ قانون برنامه پنجم، مصوب مجلس شورای اسلامی‌و ادغام وزارتخانه‌های نفت و نیرو، مسـعود میرکاظمی‌از وزارت نفت برکنار شد. اندکی بعد با منتفی شدن ادغـام وزارت نفت و نیرو، قرار بود بار دیگر میرکاظمی‌بـه وزارت نفت بازگـردد، که این موضوع بـا مخالفت احمدی‌نژاد همراه شد. احمدی‌نژاد، سرپرسـتی وزارت نفت را برعهده گرفـت که با مخالفت مجلس و شورای نگهبان مواجه شد در نهایت، رستم قاسمی وزیر نفت شـد. البته شاهد ادغام چنـد وزارتخانه دیگر هم بودیم که طبیعتا دستخوش تغییراتی در راس شدند اما وزارت نفت در نهایت ادغام نشد و به همین دلیل برکناری میرکاظمی به عنوان تغییری دیگر در کابینه ثبت شد.

سخن اول

برکناری علی‌اصغر فانی از منظری دیگر
مردی برای همه فصول رفت

مهندس علی‌اصغر هراتی*

موضـوع برکناری یـا کناره‌گیری وزیر آموزش‌وپرورش دولت حسـن روحانـی را از منظری از درون آموزش‌وپرورش می‌توان مورد بررسی قرار داد.

علی‌اصغر فانی که سـابقه معاونت وزیر در دولت خاتمی‌داشت و در دوره احمدی‌نژاد با اعلام هم‌فکری با احمدی‌نژاد قصد وزارت کرده بود بالاخره در دوره روحانی به وزارت رسـید اما او از جنس معاونت وزیر بود و باید به همان بسـنده می‌کرد. او در قامت معاونت توانسـت نظام آموزشـی را سـر و سامان دهد و اشـکالات آن را بر طرف کند ولی از هوش سیاسی کافی برای وزارت برخوردار نبود برای او فرق نمی‌کرد که احمدی‌نژاد، خاتمی، روحانی یا جلیلی رئیس جمهور باشـد. بـه عبارت دیگر به اهداف کلی مردم و انتخابشـان بی‌توجه بود. او به تریبون‌هایی که معمولا در دسـت یک جناح است نگاه می‌کرد و به همین خاطر بیشتر مدیرانش را از جنس رقبای رئیس جمهور انتخاب کرد و موجبات آزرده خاطر شدن طرفداران دولت را فراهم کرد. او نتوانسـت در جهت توسـعه عدالت گامی بردارد و در دوره وزارت او تفاوت حقوق برای مدارک مشـابه در آموزش و پرورش به بیش از ده برابر هم رسـید. او نتوانست از حقوق همکاران بازنشسـته خودش دفاع کند و بی‌عدالتی بین بازنشستگان در وزارت آموزش و پرورش غیرقابل باور شد. او نتوانسـت از طرح‌های دوره خودش هم دفاع کند ونه تنها به ادامه اسـتخدام انتخاب شـده‌های دولت قبل اقدام کرد و در مورد استخدام نیروهای بسته حمایتی خودش که طرح موفقی هم بود اقدامی نکرد. بدتر اینکه حقوق ناچیز آنها را نیز نتوانسـت پرداخت کند. نشان دادن تصویر دانش‌آموزانی که در فضای غیر مسـقف تحصیل می‌کردند و دست و پنجه نرم کردن مدیران مدارسی که باید بدون سرانه یا با سرانه ناچیز مدارس‌شـان را اداره می‌کردند و تحت فشار قرار دادن خانواده‌ها برای پرداخت هزینه‌های مدارس، ناتوانی در ظرفیت‌سازی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، عدم حمایت واقعی از مدارس غیردولتی و وضعیت اسف‌بار نیروهای شاغل در این مدارس همه و همه عواملی است که توانست موجبات نارضایتی مردم نسبت به دولت را فراهم سازد .

در یـک کلام، فانـی از جنس طرفداران دولت نبود و توان خلق ثروت و ایجاد عدالت را نداشـت. او هرگز نتوانست توازن منطقی بین حقوق نیروهایش با سایر ارگان‌ها ایجاد کند. تغییر معنی‌دار دکتر فانی پیامی‌اسـت به همه مسئولین دولتی که با بهانه‌های عوام‌فریبانه به خواسته‌های امیدآفرینان انتخابات ۹۲ پشـت کرده‌اند. همان‌ها که انتخابات مجلس را بدون حضور اصلاح‌طلبان و طرفداران دولت در ستادهای اجرایی برگزار کردند. آنها که متولی سیاسـت مملکت و جامعه هسـتند و از همنشـینی و مشـورت با سیاسیون به عنوان پرچم‌داران عدالت خودداری می‌کنند و پیشاپیش می‌خواهند حاجی عبدالوهاب‌مآبانه به استقبال دولت فرضی آینده‌شان بروند. غافل از آنکه کل نظام به درجه‌ای از رشد سیاسی رسیده است که در برابر حاکمیت دوباره پوپولیسم مقاومت خواهد کرد و اگر دولت اعتدال نتواند مقدمه بازگشت دوره اصلاحات شـود با حضور یا بدون حضور روحانی منش اعتدال را حفـظ و با یک نگاه واقع‌بینانه مدیران محافظه کار را از گردونه خارج خواهد کرد. بی‌تردید اصلاح‌طلبان از چنین تغییراتی در صف و ستاد دولت استقبال می‌کنند و امیدواریم این تغییر آغازی برای اصلاح بدنه دولت باشد.

*مدیر اسبق آموزش‌وپرورش دامغان - فعال سیاسی

نگاه

منظور من آن نبود، این بود!

رضا پورحسین

نمی‌دانـم چرا بسـیاری از ما عادت کرده ایم بـه گونه‌ای مبهم و بی‌دقت صحبت کنیم که مجبور شـویم آن را بیشتر توضیح بدهیم تا فهم دیگران را از صحبت‌های خود تصحیح نماییم.

حتمـا در بیـن همه افـراد جامعه بویـژه درمیان سیاسـیون و شـخصیتهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی علمی به این موضوع برخورد کرده‌اید که بدون دقت صحبت می‌کنند وبعدازآنکه جامعه به صحبت‌های آنها واکنش نشان می‌دهد، درصدد تبیین وتوضیح بیشـتر، ویا تصحیح حرفهای خود، تجدیدنظر و یا عذرخواهی برمی‌آیند. جالب است دربرخی مواقع به گونه ای نسـنجیده و نابخردانه صحبت می‌کنند که با توضیح بیشـتر، کار بدتر شده و مجبور می‌شوند به صراحت از همه عذرخواهی کنند.

دلیل این امر این اسـت که برخی از ما احسـاس می‌کنیم، صحبت واظهارنظرکردن، جزو راحت ترین کارهاسـت ؛ درحالیکه اگر به ارزش و میزان نفوذ کلام بیشتر پی ببریم، به راحتی صحبت نخواهیم کردو برای اینکه جمله ای را به زبان بیاوریم، اندکی تامل می‌کنیم و درباره درک آن نزد دیگران ، فکر می‌کنیم. دراین صورت، کمتر صحبـت خواهیم کرد واگر بخواهم کمی‌طولانی حرف بزنیم، ترجیح خواهیم داد که منظور خود را به صراحت و غیرمبهم، بنویسیم و طبق آن صحبت کنیم.

این عادت در صحبت‌های اهل سیاست و فرهنگ و علم متاسفانه به وضوح دیده می‌شود. امروز چیزی را می‌گویند وفردا، خود و یا دفترشان کوشش می‌کنند که منظور صاحب سخن را تصریح کنند و یا منظور اصلی آنها را توضیح دهند که عمدتا نمی‌توانندحق مطلب را ادا کنند و بلکه کار بدتر می‌شود وسوال‌های جدیدی را در جامعه بوجود می‌آورند.

سـوال این است که چرا به گونه‌ای صحبت و اظهارنظر می‌کنیم که مجبورباشیم برای رفع تردیدها و ابهام‌های بوجود آمده، کلی انرژی صرف کنیم؟!!

گزارش

جای‌خالی آیت‌الله «میانجی‌گر» در روزهای اختلاف اصولگرایانه

مصطفی صادقی

اگر سیاسـت را از وجه درسـت و اخلاقی آن دنبال کنیم و آنگاه در میان سیاست‌ورزان معاصر دنبال افرادی باشیم که سیاست از نگاه آنان از همین رهگذر معنا می‌یابد حتما باید فردی مانند آیت‌الله مهدوی کنی را در صدر چنین فهرستی قرار داد.یک انقلابی که اخلاق را فدای سیاست نکرد.

او سیاسـتمدار الگوی زمانه ما بود. سوال این است؛ چرا آیت‌الله مهدوی کنی از یگانه‌های عصر ما شده اسـت؟ چرا چنین شـده که محبوبیت او تنها در یک جناح و یک طیف خلاصه نشـده و هنوز که هنوز اسـت وقتی می‌خواهند از چگونه بودن در دنیای سیاسـت مثال بزنند یک سو را که جانب اخلاقگرایان و فضیلت‌پیشگان است به او نسبت می‌دهند و آن سمت دیگرش را به اهل نقص و خسران ؟

پس در مقام سـخن و تحلیل آنجا که بحث بر سـر چگونگی زیسـت سیاسـی و چرایی برتری این آیت‌الله اخلاقگراسـت باید به برجستگی‌های هویت سیاسی او اشاره کرد و البته به این پرداخت که اکنون اصولگرایان چگونه می‌توانند از میراث آیت‌الله برای سیاست‌ورزی خود بهره برند .

آیت‌الله از حوزه تا کارگزاری نظام

«کلاس اول که رفتم معلمم آذربایجانی و ترک زبان بود، روز اول گفت بچه‌ها من می‌خواهم نماز شما را درست کنم. معلم‌های آن زمان اکثرا آدمهای متدینی بودند. او به بچه‌ها گفت حمد و سوره را بخوانید. من چون در خانواده یاد گرفته بودم بهتر از بقیه خواندم حتی قرائتم هم تا حدودی خوب بود. وقتی همه بچه‌ها خواندند به من گفت تو ملا می‌شوی.

گذشـت تا روزی که من شاید ۱۸ سال سن داشتم. اولین شبی که در کن در حسینیه محله خودمان(محله بزرگ کن- محله سرآسـیا) منبر رفتم، یک روحانی بـود که از اصفهان می‌آمد و منبر می‌رفت. آن شب به من گفت منبر برو، گفتم من بلد نیستم و تا حالا منبر نرفتم گفت حالا برو و یک چیزی بگو. الان بروی یاد می‌گیری و اگر خراب هم بکنی همه می‌دانند تازه‌کاری، خودت هم ناراحت نمی‌شـوی. اما اگر درس خواندی و ملا شـدی و بعد منبر رفتی و خراب کردی دیگر تا آخر نمی‌توانی منبر بروی و آن موقع توقع مردم هم از تو بیشتر است. من منبر رفتم، یک منبر ۸ دقیقه‌ای و یک مسئله شرعی گفتم و قسمتی از یک خطبه امیرالمومنین را خواندم و یک روضه هم خواندم و پایین آمدم. دیدم یک پیرمردی با فاصله زیاد به من می‌گوید: فلانی مرا می‌شناسـی؟ گفتم نه یادم نیست.گفت من معلم کلاس اولت هستم، بهت گفتم ملا می‌شـی.» این روایتی اسـت به زبان آیت‌الله مهدوی کنی از زندگی خودش . روحانی با تقوا و اخلاق‌مداری که حالا دو سال از رحلتش می‌گذرد اما همچنان فضیلت‌هایش نقل محافل است.

محمدرضـا مهدوی کنی در سـال ۱۳۱۰ در قریه کن (حومه تهران) به دنیـا آمد و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در کن و تهران و ۳ سال دروس حوزوی در مدرسه علمیه مرحوم برهان، عازم قم شد. روحانی جوان تا سال ۱۳۴۰ در محضر استادان مبرز آن زمان همچون حضرات آیات: حاج شیخ عبدالجواد سـده‌ای (جبل عاملی)، شـهید صدوقی، سلطانی، مجاهدی، رفیعی قزوینی، شـعرانی، علامه طباطبایی، آیت‌الله العظمی‌بروجردی، امام خمینی (ره)، آیه‌الله العظمی گلپایگانی تلمذ کرد.

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

همه گرفتاری‌های یک رئیس دولت
آپارتاید سیاسی علیه یک رئیس‌جمهور

متین مسلم

اگر به حسـن روحانـی ایرادی وارد می‌شـود بیشتربه دلیل ارزان فروشی دستاوردهایی است که حصول حتی یکی از آنها برای یک دولت مستقر در طول حیات قانونی‌اش کافی بود. از توافق هسته‌ای با قدرت‌های جهانی گرفته تا کنترل تورم به زیر ۹ درصد ویا آرامش روانی جامعه.منتقدانه می‌توان از روحانی خواست درحوزه‌های اقتصادی فعال‌تر باشد. اما متقابلا از او انتظار نمی‌رود که با عدم موفقیت در برخی شاخص‌ها مانند رکود، دستاوردهای بزرگتر را حراج و میدان را به حریف واگذار کند.

گذر از مسیر رئیس‌جمهور شدن در ایران شاید سخت باشد،امادر تلاطم‌های سیاسی و اجتماعی ایران، رئیس‌جمهور ماندن بسـیار سـخت‌تر است. پاسـخگویی به مطالبات رای دهندگان و نیزجلب نظـر بخش مـردد جامعـه کـه محافظه‌کارانه به انتظارعملکرد رئیس جمهور می‌نشـینند (که البته ایرادی هم ندارد)اتفاقا بخش سـاده، بی‌دردسـر و راحت ماجرا برای روسـای جمهوراسـت.آنچه اما رئیـس جمهور ماندن برای روحانی را طاقت‌فرسـا می‌کند،کنتـرل و دفع فشـار مخالفان و شـدت ضرباتی سـت که از هرسو متوجه او می‌شود.با این تفاوت نامتعادل، که در زمان دفع فشـار، حسـن روحانی متهم به عدم تحمل مخالفانش می‌شود!.

قـرار گرفتـن مقابل چنیـن شـرایط نابرابر و قضاوت‌هـای نامتعادل، روحانی را به یک شـاخص بـی مانند در میان روسـای جمهور ایـران تبدیل کرده. اکبر هاشمی رفسنجانی سیاستمدار واقع‌بین، بسـیارقدرتمند و پر نفوذ که اینـک بیش از پیش حمایت از حسـن روحانی را وظیفه خود اعلام کرده می‌گویـد «مزاحمت‌ها برای دولـت روحانی پس از انقلاب ایران کاملا بی‌سابقه است. می‌خواهند کاری کنند تا مردم از انتخاب عاقلانه‌شان پشیمان شوند».

اینکه چرا علی‌رغم گذشـت حدود ۳ سال و نیم از آغاز کار دولت روحانی ،آقای رفسنجانی کماکان نوک تیز انتقـادات و حملات خود را متوجه دولت قبلی و عوامل احمدی‌نـژاد می‌کند به باور آگاهان امور داخلـی ایران، صرفا به دلیل کارشـکنی‌های کنونی آنها نیسـت.آنچه برای‌هاشمی‌رفسـنجانی ظاهـرا اهمیت اسـتراتژیک پیـدا کرده،زنده نگه داشـتن شرایط و فضایی است که دولت قبلی برای مردم و کشـور ایجاد ومیراثـی ویرانگر از تخریب، نابسامانی، فسـاد، گسست‌های اجتماعی و روانی و ناامنـی در ۲ حوزه امنیت داخلـی و بین‌المللی بر جای گذاشت.

در متـد فکـری و سیاسـی زیرکانـه اکبرهاشمی‌رفسـنجانی، در بررسـی ۸ سال دولت جادو پنـدار!! نباید اجازه داد پدیـده احمدی‌نژاد به عنوان یک موضوع تاریخـی صرف و گذرا مورد بررسـی گیرد و تلاش‌های هواداران و شخص او به ثمر برسد که می‌گویند «هر چه بود گذشت! روحانی کار خود را انجام دهد. به گذشـته چکار دارد!!». به بار نشستن چنین ثمری(ناشی از فراموشی توده‌ها) بی‌شک به مخاطره تکرار اگر نه خود احمدی‌نژاد که کپی درجه دومی‌مانند او منجر خواهد شد.

رصد سیسـتماتیک گروه‌ها و نخبگان سیاسـی ایران، در آن بخش که به جریانات منتهی به پدیده احمدی‌نژاد به مثابه یک فرهنگ مربوط می‌شود به خوبی نشـان می‌دهد آنها تلاش می‌کنند دوران ۸ سـاله پیش از حسن روحانی، فراموش و صرفا یک پدیده زود گذر تاریخی توصیف و تفسـیر شود که جدای از نتایج آن، قابل بازنگری، بازسـازی، جبران و احیا است.

چرایی سیاسـت هوشمندانه‌هاشمی‌رفسنجانی برای افشـای چنیـن خطی، قابـل درک وچندان مشـکل نیسـت. آنـگاه کـه مشـاهده می‌کنیم رئیس‌جمهـور روحانـی اولا، زیـر فشـارهای سـهمگینی قرار گرفته کـه می‌تواند قـوای او را تحلیل ببرد.

ثانیـا، ناخواسـته و بالاجبار او مجبور اسـت با میراث دولت قبل کنار آمده و دامنه ژله‌ای تخریبی و ممتـد آن را مدیریت و کنترل کند. ثالثا، روحانی به تنهاترین شخص در دولت برای دفاع از عملکرد و دستاوردهایش تبدیل شده.

البته تا آنجا که به رئیس‌جمهور مربوط می‌شود، اوخود به اندازه کافـی در تقویت موقعیت مخالفان بی‌رحمش مقصراسـت و نمی‌تواند با سکوت از زیر بار مسـئولیت‌های قانونی و پاسـخگویی به افکار عمومی‌شـانه خالـی کند.اگر به حسـن روحانی ایرادی وارد می‌شـود - که شـدیدا هم وارد است - بیشـتربه دلیل کم فروشـی و حـراج بی‌قیمت دسـتاوردهایی اسـت که حصول یکی از آنها برای یک دولت مسـتقر در طول حیات قانونی اش کافی بود.از توافق هسـته‌ای با قدرت‌های جهانی گرفته تـا بازگرداندن ایـران به جامعـه بین‌المللی ،رفع تدریجی تحریم‌ها،کسـب اعتمـاد بین‌المللی برای کشـور،کنترل تورم به زیر ۹ درصد،آرامش و ثبات روانی جامعه ویا تثبیت و کنترل نوسـانات مالی و اقتصادی بازارمتناسب با شرایط ویران شده به ارث رسیده.

بله منتقدانه می‌توان به روحانی و دولت اوسخت ایراد گرفت و از آنها خواسـت درحوزه‌های مرتبط با شاخص‌های اقتصاد عمومی‌فعال‌تر برخورد کنند. امامتقابلا از دولت و شـخص رئیس‌جمهور چندان انتظار نمی‌رود که با سـکوت و یا عدم موفقیت در برخی شـاخص‌های مدیریتی آنهم در سطح کلان کشـور(مانند رکود)، اولا دسـتاوردهای بزرگتر را حـراج کرده و ارزان بفروشـند. ثانیـا میدان را به حریف واگـذار کنند.نتیجه یـک چنین روحیه‌ای اکنون منجر به آن شـده که اتفاقی بسـیار ساده و دسـته چندمی‌مانند تعویض یک یا دو وزیر کابینه به یک موج سیاسی در دو سوی مخالفان و موافقان تبدیل شده است.

رئیس‌جمهور که مطابق قانون اساسـی ایران و حـوزه اختیارات قانونی خود، بنـا به هر دلیل حق دارد اعضـای کابینه و یا هیـات وزیران را تعویض و جابجـا کند(آنهـم پس از ۳ سـال و نیم)اکنون باید پاسـخگوی چرایی اسـتفاده از حقوق قانونی خود باشـد.ترمیم،جابکی و کارآمـد کردن کابینه حتی اگر شـرایط انتخابات سال آینده مطرح نبود، اقدامی‌بسـیار عاقلانه وزیرکانه تلقی می‌شـود که باید از آن اسـتقبال کرد. این درحالی است که در سلبی‌ترین حالت سیاسـی، همواره و طلبکارانه از سـوی مخالفان مورد انتقاد بود چـرا کابینه‌اش را ترمیـم نمی‌کند؟ و اکنون باید جـواب پس بدهد چـرا این کاررا می‌کنـد!. مخالفان او امـا به افکار عمومی‌توضیح نمی‌دهند چرا در مقابل (اگر اشتباه نکنـم) برکناری ۱۳وزیـر و ۳ اسـتیضاح وزرای احمدی نژاد و ماجراجویی‌های سیاسـی و امنیتی وی آن زمان سـکوت کردند!؟. تقریبا هرسـال ۲ وزیر، به جز برکناری، تعویض و اسـتعفای معاونان وزرا. خدای من! این نحوه برخورد آپارتاید سیاسی بسیار شگفت‌انگیزو متحیرکننده است.